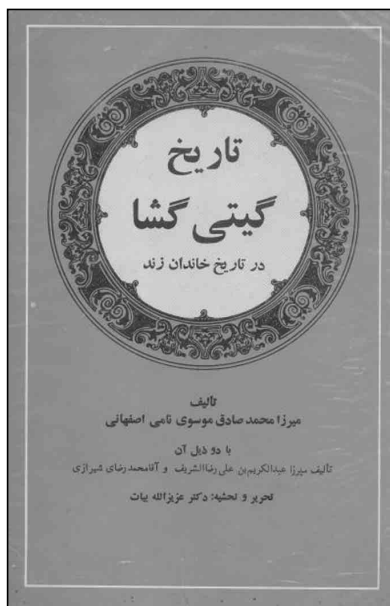


نگاهی به کتاب

تاریخ گیتی گشا

در تاریخ خاندان زند

O فریدون شایسته



شورش‌های داخلی ایران بر ضد کریم خان، پیروزی‌های وی در استرآباد، آذربایجان، ارومیه و مبارزات لطفعلی خان با آغا محمد خان از مباحث دیگر کتاب است.

گاه به روابط خاندان زند با کشورهای دیگر مانند برخورد با هلندی‌ها و نیز عثمانی‌ها اشاره شده است سرانجام نوشته نامی با شرح رویدادهای سال‌های آخر قرن دوازدهم هجری و مراجعت کریم خان به اصفهان پایان می‌گیرد.

در ذیل اول تاریخ گیتی گشا که به قلم میرزا عبدالکریم است، به طور کلی وقایع ایران، پس از مرگ کریم خان و رویدادهای بعد از سال ۱۲۰۰ ه.ق. شرح داده می‌شود.

حرکت‌ها و نضج گرفتن سلسله قاجار و آغامحمد خان از جمله مواردی است که عبدالکریم بدان می‌پردازد. در ذیل دوم تاریخ گیتی گشا به قلم محمد رضا شیرازی، شرحی از لطفعلی خان و بالاخره رویدادهای تاریخی تا سقوط خاندان زند آمده است.^۱

دکتر زرین کوب، ضمن اشاره به اسلوب متکلفانه و مشحون از عبارت پردازی‌های تاریخ گیتی گشا، بدون ذکر مأخذ می‌نویسد: «... و گویند علی مردان خان زند او را به سبب تملقانی که در این کتاب از بعضی از سلاطین زند کرده بود مؤاخذه نمود».^۲

استاد سعید نفیسی در سال‌های ۱۳۱۷ ه.ش. این کتاب را پس از تصحیح با مقدمه‌ای فاضلانهای توسط "کتاب فروشی اقبال" منتشر ساخت و جناب دکتر عزیزالله بیات این کتاب را پس از افزودن واژه‌های تحریر و تحشیه در سال ۱۳۶۳ توسط "مؤسسه انتشارات امیر کبیر" به چاپ رساند. دکتر بیات در اثر خود به درج دیباچه استاد نفیسی پرداخته است که به جهت نیاز به دیدگاه آن شادروان درباره جایگاه کتاب تاریخ گیتی گشا، قسمت‌هایی از دیباچه در پی می‌آید:

تاریخ گیتی گشا، نوشته میرزا صادق موسوی اصفهانی متخلص به «نامی» است. نامی از سادات موسوی بود که مدت‌ها در خدمت سلاطین صفوی به سر می‌بردند. وی برادرزاده میرزا محمد رحیم، پزشک سلطان صفوی و از جمله منشیان شاه بود. نامی جز منشیگری، به نویسندگی و شعر و شاعری نیز پرداخته است و از زمره آثار وی به تقلید از خمسة نظامی: مثنوی درج گهر، لیلی و مجنون، خسرو و شیرین، وامق و عذرا و یوسف و زلیخاست که به نامه نامی معروف است. افزون بر آن نامی صاحب دیوان غزلیات و قصایدی بوده که از بین رفته است. نویسندگان و شعرای معاصر وی مانند ابوالحسن غفاری و لطفعلی بیگ آذر بیگدلی از شخصیت و قلم وی به خوبی یاد می‌کنند.

نامی در زمان محمد جعفر خان، مأموریت یافت تا کتابی درباره "احوال زندیه" بنویسد. وی تا سال (۱۲۰۴ ه.ق سال وفات نامی) مشغول نوشتن تاریخ گیتی گشا بوده است اما کتاب به پایان نرسید و میرزا عبدالکریم بن علی رضا شریف شیرازی

شاگرد وی اتمام کتاب را بر عهده گرفت و عنوانی نیز برای آن تعیین کرد. تاریخ گیتی گشا، دربردارنده وقایع ظهور خاندان زند تا سقوط این سلسله است، وقایع مربوط به جعفر خان و دوران بعد، توسط شریف و محمد رضا شیرازی تکمیل شده است. کتابی که به تاریخ گیتی گشا موسوم شده، مطابق معمول با مدح و ثنا و کنایات و استعارات اغراق آمیز شروع می‌شود و سپس وقایع پس از مرگ نادر در ایران را توضیح می‌دهد. آنگاه به جانشینان نادر می‌پردازد و بلافاصله اصل و نسب طایفه زند را شرح می‌دهد. چگونگی ورود کریم خان، ابوالفتح خان و علیمردان خان به اصفهان و بر تخت نشاندن اسماعیل میرزا صفوی، تسلط محمد حسن خان قاجار بر اصفهان، غلبه بر علیمردان خان - آزاد خان و عبدالله خان، فصول بعدی کتاب را تشکیل می‌دهد.

تاریخ گیتی گشا در میان سه چهار کتابی که در تاریخ سلسله زند نوشته شده از همه دقیق تر، کامل تر و معتبر تر است. مؤلفان آن خود، معاصر با وقایعی بوده‌اند که در این کتاب شرح می‌دهند و در بسیاری از آن وقایع حاضر بوده‌اند و به همین جهت کم‌تر کتابی در زبان فارسی هست که این درجه از اعتبار و راستگویی را داشته باشد.^۲

استاد نفیسی مأخذ داوری دکتر زرین کوب را درباره کتاب مذکور که در پیش آمد به درستی در مقدمه خود آورده است وی می‌نویسد: «... خاورشناس نامی انگلیس، چارلز ریو در فهرست کتاب‌های خطی فارسی موزه بریتانیا (مجلد اول - صفحه ۱۹۶) در وصف این کتاب می‌نویسد: «ابوالحسن بن ابراهیم قزوینی در کتاب فوائد صفویه که کتابی است در تاریخ عمومی و در سال ۱۲۱۱ ه. ق. تألیف کرده گفته است که علیمرادخان، میرزا محمد صادق را به واسطه دروغ‌هایی که در تجلیل خاندان زند در این کتاب گفته بود مؤاخذه کرده او این کتاب را به فرمان جعفرخان نوشت و پانصد تومان پاداش گرفت.»^۳

مؤلف تاریخ گیتی گشا در باب چگونگی انقراض سلسله افشار و تأسیس سلسله زندیه پس از ذکر کشمکش‌های سرداران بر سر کسب قدرت می‌نویسد: «عده‌ای از سپاهیان ابراهیم شاه که به شاهرخ (افشار) پیوسته بودند شاهرخ را به شاهی رساندند طولی نکشید که شاهرخ را امرای خراسان از سلطنت عزل و کور کرده و به جای وی **میرزا سید محمد صدر** - پسر میرزا داود، دختر زاده شاه سلیمان صفوی - را به تخت نشاندند. (صفحه ۲۷)»

میرزا محمد صادق درباره اتحاد سه گانه که بین علی مردان خان، کریم خان و ابوالفتح خان ایجاد شده می‌نویسد: «... پس از تسخیر و فتح قلعه بره که منجر به شکست ابوالفتح خان توسط علی مردان خان شد سرانجام سه خان لر درباره سلطنت ایران به مشورت پرداختند و **ابوتراب** نامی را که فرزند میرزا مرتضی صدرالصدور و از دختر زادگان شاه سلطان حسین بود - به نام شاه اسماعیل سوم - به پادشاهی برداشتند و علی مراد خان، نایب السلطنه و کریم خان، سردار سپاه، و ابوالفتح خان، والی اصفهان شد. این سه مرد سوگند یاد کردند که با هم سلطنت شاه اسماعیل سوم را حفظ نمایند و هر کس پیمان شکست دو تن دیگر به رفع او قیام کنند بعد از عقد این پیمان و جلوس شاه اسماعیل سوم به تخت سلطنت بنا به صلاحدید علی مردان خان، کریم خان از اصفهان مأمور سرکوبی **محمد علی خان تکلو حاکم همدان** گردید. (ص ۲۸)» از نوشته‌های میرزا محمد صادق چنین بر می‌آید که پس از گذشت ۲۷ سال از انقراض دولت صفوی باز هم به علت تعلق خاطر مردم به خاندان صفوی برخی از سرداران با انتساب خود به وابستگی خانوادگی با صفویان و یا حمایت از یکی از افراد خاندان صفویه در صدد استفاده از وجهه این خاندان بوده‌اند میرزا محمد صادق در ذیل مطالب خود درباره جنگ با محمد حسن خان قاجار می‌نویسد: «در سال ۱۱۶۲ ه. ق که علی مردان خان در رأس سپاهی به جانب کرمانشاه شتافت در این زمان شخصی گمنام در بغداد خود را به سلسله صفویه نسبت داده ادعا کرد که یکی از پسران شاه سلطان حسین

در ذیل اول تاریخ گیتی گشا که به قلم **میرزا عبدالکریم است**، به طور کلی وقایع ایران، پس از مرگ کریم خان و رویدادهای بعد از سال ۱۲۰۰ ه. ق. شرح داده می‌شود

حرکت‌ها و نضج گرفتن سلسله قاجار و **آغا محمد خان** از جمله مواردی است که **عبدالکریم خان** بدان می‌پردازد.

در ذیل دوم تاریخ گیتی گشا به قلم **محمد رضا شیرازی**، شرحی از **لطفعلی خان** و بالاخره رویدادهای تاریخی تا سقوط خاندان زند آمده است

است
و خود را شاه
سلیمان ثانی نام
نهاد». (صفحه ۳۱)

میرزا محمد صادق، درباره نحوه قتل محمد حسن قاجار که در مقابل سپاه زند به مقاومت برخاسته بود مطلبی را ذکر کرده که در کتاب گلشن مراد اثر ابوالحسن غفاری کاشانی هم عین آن مطلب آمده است: «... پس از این که اکراد خراسان که به یاری محمد حسن قاجار آمده بودند از **شیخعلی خان** زند شکست خوردند و به طرف سرزمین‌های خود فرار کردند محمد حسن خان همین که وضع را آشفته دید رهسپار استرآباد گردید و هنگامی که از روی پلی رد می‌شد به علت سکندری رفتن اسبش به زمین درغلتید و در گل فرو رفت در آن حال **شیر علی نام‌گرد** که قبلاً یکی از ملازمان قدیمی محمد حسن خان قاجار بود و پس از ترک خدمت او در این زمان در خدمت شیخعلی خان زند به سر می‌برد به اتفاق ده سوار کرد و **محمد علی آقای دولو** - برادر حسین خان دولو - سر رسیدند و خان قاجار را امان نداده، سرش را از تن جدا کرد و نزد شیخعلی خان برد تا برای کریم خان بفرستد و سر محمد حسن خان را در تهران به پای کریم خان انداختند و خان زند نیز دستور داد تا آن سر را با مشک و گلاب شستند سپس آن را به استرآباد فرستاد تا همراه جسد در محل مناسبی دفن شود». (صفحه ۴۶)

ابوالحسن غفاری در کتاب گلشن مراد می‌نویسد: «آن حضرت - کریم خان - نظر به این که راضی به قتل آن امیر نامدار نبود گریه بسیار و اظهار تألم بی شمار نمودند و فرمودند که آن را به مشک و گلاب شسته در یکی از زوایای روضه شریف امامزاده واجب‌التعظیم شاهزاده عبدالعظیم

تاریخ گیتی گشا، در بردارنده وقایع ظهور خاندان زند تا سقوط این سلسله است، وقایع مربوط به جعفر خان و دوران بعد، توسط شریف و محمد رضای شیرازی تکمیل شده است

در این کتاب گاه به روابط خاندان زند با کشورهای دیگر مانند برخورد با هلندی ها و نیز عثمانی ها اشاره شده است

حرکت کرد و هنگامی که در شیراز توقف داشت تحت تأثیر گفته‌های حاجی ابراهیم خان قرار گرفت و به دستور خان قاجار حاکم تهران میرزا محمد خان، لطفعلی خان را کشت و جسد وی در بقعه امامزاده زید دفن گردید بعد از کشته شدن **لطفعلی خان** چندان طولی نکشید که حاجی ابراهیم خان به سزای اعمالش رسید. توضیح آن که فتحعلی شاه نسبت به حاجی ابراهیم خان که قریب چهارده سال در دستگاه جعفر خان، لطفعلی خان و فتحعلیشاه به قدرت تمام زمامداری کرده و در این مدت برادران و بستگان متعدد خود را در حکومت ولایات برقرار نموده بود بدگمان شد از طرف دیگر جمعی از نزدیکان فتحعلی شاه او را از نفوذ حاجی ابراهیم خان ترساندند سرانجام شاه برای قطع دست حاجی ابراهیم خان و کسان که او دستور داد که در یک روز وزیر و عموم متعلقان او را دستگیر نمودند بعضی را کشتند و بعضی را نیز از نعمت بینایی محروم کردند خود حاجی را نیز پس از کور کردن کشتند.» (صفحه ۱۱۲)

در پایان عنوانین برجسته کتاب تاریخ گیتی گشا، جهت آگاهی خوانندگان محترم ذکر می‌گردد:

جنگ کریم خان با آزاد خان، محمد حسن خان قاجار، حکومت هدایت الله خان در گیلان، شورش میر مهنا - حاکم بندر ریگ - شورش بصره و سرکوب آن توسط صادق خان در سال ۱۱۸۸ ه. ق. مرگ کریم خان و شرح حال جانشینان او، علیمراد خان، سلطنت ابوالفتح خان، آغا محمد خان قاجار، درگیری جعفر خان با آغا محمد خان قاجار.

لازم به تذکر است دو ذیل میرزا عبدالکریم و آقا محمد رضا که به تاریخ گیتی گشا افزوده شده است، به جنگ و پیکار لطفعلی خان زند و آغا محمد خان قاجار اختصاص دارد.

پی نوشت ها :

- ۱ - ورهرام غلامرضا: تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند، انتشارات معین، چاپ اول ۱۳۶۶، صفحه ۱۳ - ۱۲.
- ۲ - زرین کوب، عبدالحسین: تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیر کبیر، چاپ چهارم ۱۳۶۳، صفحه ۵۶.
- ۳ - موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق: تاریخ گیتی گشا در تاریخ خاندان زند، تحریر و تحشیه دکتر عزیزالله بیات، انتشارات امیر کبیر، چاپ اول ۱۳۶۳، صفحه ۱۱.
- ۴ - همان، صفحه ۱۹.
- ۵ - غفاری کاشانی، ابوالحسن: گلشن مراد، به اهتمام غلامرضا طباطبائی مجد، انتشارات زرین، چاپ اول ۱۳۶۹، صفحه ۱۰۸.
- ۶ - موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق، پیشین

دفن نمودند».^۵
در اوایل سال ۱۱۸۸ ه. ق. جنگ سختی بین دولت‌های ایران و عثمانی در گرفت و در همین زمان شیخ عبدالله رئیس طایفه منتفح - که همواره بصره را زیر نفوذ خود داشت به اتفاق عده زیادی از افراد طایفه خود به کمک اهالی بصره شتافت که بر علیه حکومت زند سر به شورش برداشته بودند. **محمد صادق موسوی** در توضیح این واقعه به نکته‌ای بدیع اشاره نموده که در منابع دوره زندیه نمی‌توان به چنین قرینه‌ای دست یافت و آن حمایت انگلیس از مخالفان دولت زند می‌باشد.

«... نماینده دولت انگلستان هم که در بصره اقامت داشت کشتی‌های جنگی خود را در اختیار حاکم بصره قرار داد...»^۶

میرزا محمد صادق، قبل از پرداختن به آغا محمد خان قاجار از کشمکش‌های خانوادگی سرداران دولت زند که راه را برای موفقیت آغامحمد خان مهیا کرد، مطالب جالبی را به رشته تحریر در آورده است. وی می‌نویسد: «... علیمراد خان - خواهر زاده زکی خان - یکی از سرداران کریم خان، صادق خان و علی نقی خان را کشت و ابوالفتح خان و پسران دیگر کریم خان را نابینا نمود...» (صفحه ۸۳)

یکی از بخش‌های خواندنی کتاب تاریخ گیتی گشا، نحوه اضمحلال حکومت زند و نقش حاج ابراهیم کلانتر در شکست لطفعلی خان زند می‌باشد که تحت عنوان ذیل میرزا عبدالکریم به نوشته‌های میرزا محمد صادق افزوده شده است. میرزا عبدالکریم در این باره می‌نویسد: «... زمانی که لطفعلی خان به قصد جنگ با آغا محمد خان عازم اصفهان شد حاجی ابراهیم (کلانتر) را مأمور حفظ و حراست شیراز نمود ولیکن نامبرده ناسپاسی کرد و در غیبت لطفعلی خان به فکر خودسری افتاد و هنگامی که لطفعلی خان خود را از قمشه شبانه به شیراز رسانید دروازه‌های شهر را بر روی خود بسته دید و حاجی ابراهیم از ورود او جلوگیری کرد، لطفعلی خان شب را در مسجد بردی در یک فرسنگی شیراز به سر برد و سپس مصمم تسخیر شیراز شد و حاجی ابراهیم که از نیت وی مطلع شد سپاهیان لطفعلی خان را تهدید کرد که در صورت ادامه همکاری با خان زند، خانواده‌های آنها را که ساکن شیراز هستند، اسیر خواهد کرد و به همین علت سپاهیان لطفعلی خان مرعوب شدند و در مدت کوتاهی جز چند تن کس دیگری در خدمت خان زند باقی نماند...» (صفحه ۱۰۲)

بقیه شرح حال لطفعلی خان زند در ذیل آقا محمد رضای شیرازی به کتاب تاریخ گیتی گشای میرزا محمد صادق موسوی آمده است وی می‌نویسد: «... لطفعلی خان که توسط خان قاجار کور شده بود به تهران فرستاده شد در اواخر ماه ربیع الاخر سپاه آغا محمد خان به طرف شیراز